

## پایه‌های روان‌شناختی تربیت دینی

سیداحمد رهنمایی\*

### چکیده

تعلیم و تربیت و روان‌شناسی، به‌عنوان برجسته‌ترین گرایش‌های رایج در انسان‌شناسی، هیچ‌یک از دیگری بی‌نیاز نیست. تربیت دینی، به‌عنوان یکی از شاخص‌ترین قلمروهای تعلیم و تربیت ارزش‌ها، در اعتبار و روایی خود نه تنها از آموزه‌های دینی معتبر الهام می‌گیرد، بلکه وام‌دار اصول روان‌شناسی دین و روان‌شناسی ارزش‌ها است. تربیت دینی اصیل به شخص کمک می‌کند با کشف مصداق‌های روشن گرایش‌های فطری نظیر میل به کمال، سعادت، عدالت، پرستش، جاودانگی و... معبود حقیقی را بشناسد و به پرستش او ملتزم شود. تربیت دینی انسان را بر می‌انگیزاند تا نسبت به وجود، عظمت، لطف و عنایت آفریدگار هستی واقف گردد و به برقراری ارتباط با او همت گمارد. این امر خطیر به برکت و پشتوانه گرایش‌های مزبور میسر می‌گردد. تربیت دینی به نوبه خود در تقویت شکل‌دهی و جهت‌بخشی بینش، انگیزش، احساسات، گرایش‌ها، غرایز، رفتار و امور فطری سهم بسزایی ایفا می‌کند. از سوی دیگر، در تربیت دینی، نقش عواملی چون غرایز، انگیزه‌ها، احساسات و گرایش‌ها بر حسب موارد قابل مطالعه و بررسی است. بدین ترتیب، در فرایند تربیت دینی، هریک از مجموع عوامل فوق، در مقام ایفای نقش مؤثر خود، امر تربیت را سامان می‌دهند.

کلیدواژه‌ها: تربیت دینی، امور فطری، انسان‌شناسی، احساسات، گرایش‌ها، غرایز.

### مفهوم‌شناسی تربیت دینی

در بررسی مفهوم تربیت دینی گاه برآنیم که نقش دین، آموزه‌ها و باورهای دینی را در پرورش انسان مورد توجه و ارزیابی قرار دهیم. در این صورت، تربیت دینی به‌مثابه عاملیت دین در تربیت انسان قابل مطالعه خواهد بود. بدیهی است این گزینه جایگاه ویژه‌ای نزد مجامع، نهادها و مربیان دینی دارد؛ اما مقصود اصلی نوشتار حاضر را دربر نمی‌گیرد.

مفهوم دیگری که برای «تربیت دینی» در نظر گرفته می‌شود، به برآیند تربیت دینی، یعنی دین‌باوری، دین‌مداری و شخص دین‌باور و دین‌مدار نظر دارد. با این بیان، «تربیت دینی» به مفهوم بررسی نقش دین در تربیت انسان با «تربیت دینی» به مفهوم محصول تربیت، یعنی دین‌باوری و دین‌مداری، کاملاً از یکدیگر متمایز می‌شوند، گرچه در بررسی مبانی روان‌شناختی تربیت دینی می‌توان به هر دو برداشت توجه کرد. دین از این جنبه که دارای عناصر، کلیشه‌ها، راهبردها و راهکارهایی است و می‌تواند انسان را دگرگون سازد، و انسان دین‌باور نیز از این جنبه که در اثر تربیت دینی اندیشه، گفتار و رفتارش متحول می‌گردد، لازم است در کانون توجه تحلیلگران تربیت دینی قرار گیرند؛ از این رو هم تدین و هم انسان دین‌باور و دین‌مدار، باید شناسایی و معرفی شوند تا تربیت دینی معنا و مفهوم پیدا کند.

به بیان فوق دین‌مدار کسی است که پیش از هر چیز، حیثیت کاربردی دین را باور کرده، به کارکردهای مؤثر دین در ساحت‌های گوناگون زندگی انسانی یقین داشته باشد. چنین فردی به اهمیت نقش دین در زندگی فردی و اجتماعی پی برده است و به‌قدر وسع خویش کوشیده است در مقام عمل و رفتار به مفاد دین پایبند باشد. بنابراین دین در نظر انسان دین‌مدار تربیت‌یافته به تربیت دینی، از ارزش نظری و کاربردی مسلمی برخوردار است، به‌گونه‌ای که درمی‌یابد دین با

تمام ساحت‌های سیاسی، تربیتی، اجتماعی، اقتصادی، خانوادگی و... سروکار دارد. این ساحت‌ها به‌نوبه خود می‌توانند از دین و آموزه‌های دینی الهام پذیرند. چنین برداشتی، خاصیت طبیعی دین‌داری و مایه قوام و استحکام دین‌باوری و دین‌مداری است. تربیت دینی بر چنین خاصیتی تأکید می‌ورزد و تحقیق آن را مهم و جدی می‌شمارد و برای اجرای مضامین آن برنامه‌ریزی می‌کند. علاوه بر خاصیت مذکور، میزان علاقه پیرو دین به باورها و ارزش‌های دینی مورد نظر خود و بیزاری او از پذیرش دیگر ادیان، از جمله عواملی است که بر اهمیت و نقش تربیت دینی می‌افزاید. اساساً عاملیت محبت و بیزاری را در دین‌باوری و دین‌داری آن‌قدر مهم و بزرگ شمرده‌اند که گفته‌اند مگر می‌شود ایمان، حقیقتی غیر از حب و بغض داشته باشد؟!<sup>۱</sup>

تربیت دینی بدین ترتیب، هم به جهان‌بینی و مبانی اعتقادی و باورهای انسان نظر دارد و هم به اصول و ارزش‌های اخلاقی، حقوقی، سیاسی و نظایر آنها متکی است. به‌عبارتی، تربیت دینی هم با اندیشه و نظر فرد و هم با اخلاق و عمل او کار دارد. این دو قلمرو، یا مناسب‌تر، این دو حیثیت هرگز از یکدیگر جدایی نمی‌پذیرند. بنابراین تصور اینکه تربیت دینی تنها به‌منظور ایجاد تحول در نگرش‌ها صورت می‌پذیرد و کاری با حوزه اخلاق و عمل ندارد، تصور بیجایی است. به‌علاوه، تربیت دینی به روش‌های برگرفته از دین و احکام و قوانین دینی و یا شیوه‌های مورد تأیید دین نیز نظر داشته، به‌گرایش‌ها، احساسات، عواطف و هیجانات فرد جهت و معنا می‌بخشد. کوتاه سخن اینکه، انسان متدین نه‌تنها در ساحت‌های اعتقادی، بلکه در تمام ساحت‌های روان‌شناختی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و حقوقی - به بیانی که گذشت - از کارآمدی دین تأثیر پذیرفته است. چنانچه وی در چنین ساحت‌هایی از تربیت دینی تأثیر نپذیرفته باشد،

مفهوم آن این است که یا مانعی بروز کرده و یا از اساس تربیت دینی بی خاصیت بوده است. در هر دو صورت باید در امر تربیت دینی تجدید نظر شود.

نگرش فوق، پیش درآمدی برای تجزیه و تحلیل مبانی روان‌شناختی تربیت دینی به‌شمار می‌رود؛ بدین معنا که بررسی نقش دین‌باوری و تأثیرپذیری انسان دین‌مدار از آن، خواه‌ناخواه ما را به قلمرو روان‌شناسی می‌کشاند. این امر به‌نوبه خود دریچه‌ای از شاهکار آفرینش را به روی ما می‌گشاید و ما را مبهوت شگفتی‌های آفرینش انسان می‌سازد. وقتی یک نگاه ساده به ظاهر انسان ما را به شگفتی وا می‌دارد، نگاه به روح و روان انسان از این هم شگفت‌آورتر است. به تعبیر مولی امیرالمؤمنین علیه السلام: **اعجبوا لهذا الإنسان ينظر بشحم ويستكلم بلحم ويسمع بعظم ويتنفس من حرم**<sup>۲</sup> «شگفتا از انسان که به کمک مقداری «پی» می‌بیند و با تکه‌ای «گوشت» سخن می‌گوید و با قطعه «استخوانی» می‌شنود و از طریق «شکافی» تنفس می‌کند». این شگفتی نسبت به ظاهر انسان است؛ باطن و روان انسان از این هم شگفت‌انگیزتر است. آفریدگاری که این همه شگفتی را آفریده است، اراده فرموده تا انسان بر اساس آموزه‌های دینی تمام دارایی‌ها و توانایی‌های شگفت‌انگیز خود را در مسیر نیل به کمالات و سعادت جاویدان به‌کار گیرد؛ آیا برای تربیت دینی، غرضی جز این منظور می‌شود؟

کرامت انسان اقتضا دارد وی بتواند به پشتوانه ابزار و عناصری شخصی و شخصیتی (نظیر حواس ظاهری و باطنی، امیال، گرایش‌ها، انفعالات و احساسات) به جایگاه والای خویش در نظام آفرینش بیندیشد و برای نیل به آن جایگاه به کمک اعضای ظاهری (جوارح) و نیروهای درونی (جوانح)<sup>۳</sup> خویش تلاش مناسب را به عمل آورد. چنین جایگاهی جز از راه معرفت دینی و التزام به رهنمودهای دینی میسر نیست و این هدف برجسته و مقصود بایسته، تنها با

تربیت دینی قابل تحقق است. در اینجا با اشاره به برخی از ابعاد روان‌شناختی انسان، نقش مهم این ابعاد در تحصیل و کارآمدی تربیت دینی و تحقق اهداف آن مورد بررسی قرار می‌گیرد. در این میان، با اشاره به عوامل هویت‌ساز انسانی چون اختیار، اراده، آگاهی، توانایی، امیال فطری، غرایز، عواطف، هیجانات، احساسات و نظایر آن، سهم هر یک در کارآمد کردن تربیت دینی روشن خواهد شد. بررسی ابعاد مزبور ما را در استنباط مبانی روان‌شناختی تربیت دینی کمک خواهد کرد. از آن گذشته، تربیت دینی می‌تواند متناسب با رشد طبیعی فرد - اعم از رشد زیستی، جسمانی، فیزیولوژیکی و روانی او - شکل و سامان پذیرد؛ از این رو قوانین حاکم بر رشد می‌تواند تربیت دینی را به موازات رشد طبیعی فرد توجیه و تبیین کند. توجه به این سنخ هماهنگی مابین رشد و تربیت نشان می‌دهد که تا چه اندازه تربیت دینی از قوانین روان‌شناختی رشد پیروی می‌کند.

#### تربیت دینی: روان‌شناسی دین‌داری

روان‌شناسی دین به بررسی امور و فعالیت‌های دینی و مذهبی با اصول و معیارهای روان‌شناسی می‌پردازد و دیدگاه روان‌شناسان در زمینه دین‌داری و عوامل و زمینه‌های روان‌شناختی دین‌مداری، همچنین سنجش و ارزیابی دین‌باوری و آثار آن در زندگی فردی و اجتماعی را مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد. دین‌باوری و دین‌داری در روان‌شناسی دین، - همانند بسیاری از موضوعات مربوط به روان و رفتار انسان - با رویکرد و محک روان‌شناسانه ارزیابی و ارزشیابی می‌شود.<sup>۴</sup> با این وصف، باید اذعان کرد تاکنون مطالعات و تحقیقات منظم و درخور توجهی در حوزه روان‌شناسی دین و معنویت و ایمان و دین‌داری، - چه در جهان غرب و چه در جهان اسلام - صورت نپذیرفته است.

به‌رغم اصرار اورت دین مارتین<sup>۵</sup> مبنی بر اینکه دین انسان را از فضای واقعی‌اش خارج می‌سازد و ابزار فرار از واقعیت را در دست او قرار می‌دهد،<sup>۶</sup> انتظار می‌رود روان‌شناسی دین در غرب در آینده‌ای نه‌چندان دور از جایگاه برجسته‌ای برخوردار شود. امروزه مطالعه دین و دین‌داری با رویکرد روان‌شناسانه به مسئله ویژه‌ای از مسائل روان‌شناسی تبدیل شده است. برخی از روان‌شناسان غربی، با تأکید بر اهمیت دین برای همه انسان‌های روی کره زمین، آن را در زندگی انسان عاملی برانگیزاننده دانسته‌اند و همین امر را دلیل کافی برای مطالعات روان‌شناسانه دین برشمرده‌اند.<sup>۷</sup> در هر صورت، پیشینه روان‌شناسی دین در فرهنگ و معارف غربی به اواخر سده نوزدهم برمی‌گردد. از همه مهم‌تر، طی این دوره زمانی نسبتاً طولانی، غرب شاهد بروز و ظهور سه سنت برجسته در قلمرو روان‌شناسی دین به شرح زیر بوده است:

۱. سنت انتقادی - اصلاحی - توصیفی انگلیس - امریکا: گالتون،<sup>۸</sup> دانشمند شهیر انگلیسی با تحقیقش در باب کارایی عینی دعا و نیایش و استنلی هال،<sup>۹</sup> بنیان‌گذار روان‌شناسی دین در امریکا با تحقیقش در مورد روان‌شناسی عیسی مسیح و مسیحیت،<sup>۱۰</sup> و ویلیام جیمز<sup>۱۱</sup> با ارائه کتابش در زمینه گوناگونی تجربه دینی، پابندی خود را به این سنت نشان داده‌اند.<sup>۱۲</sup> سنت مزبور با انتقاد از وضعیت موجود گرایش‌های دینی، سعی در اصلاح و توصیف وضعیت مطلوب دارد.
۲. سنت توصیفی آلمان: ویلهلم وونت،<sup>۱۳</sup> از بنیان‌گذاران روان‌شناسی تجربی و از پیش‌گامان درونی‌نگری کنترل‌شده تجربی، و رودولف اتو،<sup>۱۴</sup> نویسنده کتاب *اندیشه امر قدسی*، از جمله هواداران این سنت به‌شمار می‌روند.<sup>۱۵</sup> این سنت بر توصیف، تجزیه و تحلیل و طبقه‌بندی کیفی گرایش‌های دینی تأکید می‌ورزد تا ارزیابی و استنتاج آماری آنها.

۳. سنت آسیب‌شناختی - گزینشی فرانسه: ژان مارتین شارکو<sup>۱۶</sup> و ژان پیازه<sup>۱۷</sup> را باید از مدافعان این سنت برشمرد. پیازه در تبیین برداشت خود از دین و روان‌شناسی دین به دو نگرش متعالی و حضور همه‌جایی خداوند اشاره دارد). وی نگرش اول را ماورایی و فراتر از درک بشر می‌داند، اما بر اساس نگرش دوم معتقد است که خدای ارزش‌ها در درون ما حضور دارد. این سنت از طرفی به آسیب‌شناسی روانی دین نظر دارد و از جانب دیگر، گزینش برترین الگوی روان‌شناسی دین را مورد تأکید قرار می‌دهد.<sup>۱۸</sup>

مروری بر سنت‌های سه‌گانه فوق نشان می‌دهد که به‌رغم تأکید روان‌شناسی علم‌گرای عمل‌گرای غرب بر مطالعه و ثبت پدیده‌های مشاهده‌پذیر، درون‌نگری<sup>۱۹</sup> و تجربه‌های ذهنی - معنوی افراد و اشخاص را هرگز نمی‌توان از حوزه مطالعات روان‌شناسانه خارج دانست. در موارد فراوانی جریان‌های علم‌گرایی، تجربه‌گرایی، ساختارگرایی و عمل‌گرایی بر مطالعات و تحقیقات روان‌شناختی سایه افکنده، با وجود این بررسی تجربه‌های معنوی نیز - به‌خصوص در دهه‌های اخیر - در غرب از جایگاه ویژه‌ای برخوردار شده است.<sup>۲۰</sup> بدین ترتیب، امور مزبور شاخص اصلی و برجسته روان‌شناسی دین و معنویت به‌شمار می‌روند. پژوهش‌های اخیر گواه روشنی بر این واقعیت است که روان‌شناسی دین در دوره معاصر تجدید حیات یافته، مورد توجه ویژه پژوهشگران غربی قرار گرفته است. نشر «مجله بین‌المللی روان‌شناسی دین»<sup>۲۱</sup> و مجموعه مقالات جلسات سه‌سالانه «روان‌شناسان دین اروپا» که متصدی ارائه پژوهش‌ها و آرای روان‌شناسان دین در سطح بین‌المللی است، از نمونه آثاری به‌شمار می‌روند که از دهه نود میلادی به این طرف در غرب ظهور یافته‌اند.<sup>۲۲</sup>

پرداختن به محتوای روان‌شناسی دین، از بررسی سنت‌های حاکم و تاریخچه

آن به مراتب مهم‌تر است. اصولاً روان‌شناسی با سه حوزه برجسته ادراک و معرفت، احساسات و عواطف، و گرایش‌ها و رفتار انسان سروکار دارد. سه حوزه مزبور در تلازم جدی با یکدیگرند؛ به‌گونه‌ای که احساسات و عواطف از ادراک و معرفت سر می‌زند و گرایش‌ها و رفتار از احساسات و عواطف سرچشمه می‌گیرد. سرسلسله‌جنبان همه این امور را باید در معرفت انسان جست‌وجو کرد. بدون معرفت، هیچ حرکتی موفقیت‌آمیز آغاز نخواهد شد و بدون معرفت، هیچ حرکت موفقیت‌آمیزی نتایج لازم و مطلوبی به بار نخواهد آورد.<sup>۳۳</sup> از آن گذشته، انگیزه انسان نیز تحت‌الشعاع معرفت او رقم می‌خورد و اساساً چیزی جدای از معرفت انسان نیست؛ از این رو هرچه معرفت انسان عالی‌تر و برجسته‌تر، انگیزه او متعالی‌تر، احساسات او جهت‌یافته‌تر و گرایش‌ها و رفتار او شایسته‌تر خواهند بود. در روان‌شناسی دین این حوزه‌ها هر سه با نگرش دینی مورد مطالعه و بررسی قرار می‌گیرند. بدین ترتیب، روان‌شناسی دین و دین‌داری از سلسله مباحثی است که پشتوانه علمی و تحلیلی مباحث و مسائل تربیت دینی به‌شمار می‌آیند، به آنها جهت می‌بخشند و احکام برگرفته از آنها را جرح و تعدیل می‌کنند.

#### تربیت دینی: انگیزه دینی

انگیزه، از مهم‌ترین و درعین‌حال پیچیده‌ترین عناصر روان‌شناختی است که در پیدایش احساسات، گرایش‌ها، کنش‌ها و واکنش‌ها نقش حیاتی ایفا می‌کند. در تربیت دینی تأکید بر این است که «اصولاً هیچ کار اختیاری بدون یک نیت و انگیزه انجام نمی‌گیرد و هر کار که از روی اختیار انجام گرفت، یک داعی یا انگیزه‌ای برای انجام آن کار در نفس فاعل آن وجود دارد که سبب می‌شود تا



فاعل، آن کار خاص را ترک نکند و یا به‌جای آن، کار دیگری غیر از آن را انجام ندهد.<sup>۲۴</sup> بنابراین هیچ کار اختیاری بدون انگیزه، اصلاً کار به‌شمار نمی‌آید. عبارت *إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ وَ لِكُلِّ أَمْرٍ مَا نَوَى...*<sup>۲۵</sup> بیانگر این حقیقت است که هیچ رفتاری از رفتارهای انسان فاقد انگیزه و عوامل انگیزشی نیست. از آن گذشته، ارزش رفتار او به انگیزه‌ای بستگی دارد که وی در سر پرورنده است تا آنجا که گفته‌اند انگیزه انسان دینی و ایمانی، از رفتار او با ارزش‌تر می‌باشد.<sup>۲۶</sup> بدین ترتیب، حقیقت رفتار انسان به حقیقت انگیزه او محک می‌خورد و حسن و قبح آن از زیبایی و زشتی انگیزه رنگ و رو می‌پذیرد. در واقع، «... نیت بیانگر یک رابطه حقیقی است و نه یک رابطه قراردادی که مثلاً گفته شود: اگر چنین کردی، چنان می‌کنم و اگر نه نمی‌کنم. این خود نیت است که رابطه تکوینی با آن عمل دارد و به آن حیات می‌دهد. عمل بدون نیت درحقیقت، یک کالبد مرده است که ارتباطی با دل و روح فاعل پیدا نمی‌کند و نتیجه‌ای نمی‌بخشد. رابطه اعمالی که در خارج انجام می‌دهیم با کمال نفس به وسیله نیت و انگیزه‌ای برقرار می‌شود که از سوی نفس به آن کار تعلق خواهد گرفت. بنابراین اگر در عملی «نیت» نباشد یا نیت صحیحی نباشد، آن عمل موجب کمالی برای نفس نخواهد بود...»<sup>۲۷</sup>

در تربیت دینی مهم این است که مربی و فراگیر به هدف تربیت بیشتر بیندیشند و چنانچه هدف را متعالی و ارزشمند یابند، هر دو برای تأمین آن هدف تمام همت و استعداد خود را به‌کار بندند. توجه و علاقه‌مندی به هدف، همچنین پی بردن به اهمیت و ارزش تحصیل آن، از جمله عوامل انگیزشی است که به بروز رفتار و جهت‌دهی آن می‌انجامد. تربیت دینی بسته به دورنما و چشم‌اندازی که ارائه می‌دهد و متناسب با گرایش خاصی که در نهاد شخص پدید می‌آورد، شخص را برمی‌انگیزاند تا در مسیر تحقق چشم‌انداز تربیت دینی

به آموزه‌های دینی توجه کافی مبذول دارد و به لوازم آن آموزه‌ها پایبند باشد. با این بیان، هرچه عوامل برانگیزاننده قوی‌تر و راسخ‌تر باشند، انگیزه فراگیر در التزام به مفاد تربیت دینی و تعهد به ارزش‌های مورد تأکید و سفارش دین عالی‌تر خواهد بود. این نکته مهم روان‌شناختی به‌جای خود، تربیت دینی را هموارتر و تحقق آثار و مظاهر آن را آسان‌تر خواهد ساخت. مهم این است که دین در پالایش و تعالی انگیزه‌های پیروان خود تا چه اندازه موفق عمل کند. این امر مستلزم بالا بردن سطح آگاهی و معرفت فراگیران نسبت به معارف و آموزه‌های دینی است.

به‌بیانی که گذشت، ارزش در تربیت دینی تنها به ارزش فعلی برنمی‌گردد، بلکه ارزش فاعلی را نیز دربرمی‌گیرد. بنابراین گذشته از خوبی عمل، انگیزه نیز باید خوب و باارزش باشد تا رابطه صحیحی مابین رفتار دینی و انگیزه برقرار شود. از همه مهم‌تر، انگیزه برتر به رفتار ارزش برتر می‌بخشد و برعکس، انگیزه پست حتی رفتار به‌ظاهر شایسته را به انحطاط و بی‌ارزشی می‌کشاند. برای اینکه این مسئله روشن‌تر شود، بهتر است به فرهنگ تربیتی اسلام بنگریم که رفتاری را باارزش می‌داند «که به وسیله نیت با خداوند مرتبط شود»<sup>۲۸</sup>؛ یعنی اینکه رابطه با خداوند، ملاک اصلی ارزشمندی رفتار انسان مؤمن به‌شمار می‌رود.<sup>۲۹</sup> در هر صورت، یکی از رسالت‌های خطیر تربیت دینی این است که متریان را با انگیزه‌های برتر و شایسته‌تر آشنا سازد و آنان را برای توجه به آن انگیزه‌ها تشویق کند و نسبت به حفظ آنها در هر شرایطی برانگیزاند.

### تربیت دینی: ارادی و اختیاری

اراده و اختیار به موازات یکدیگر، از ویژگی‌های ذاتی و فطری انسان به‌شمار می‌روند و ملاک انسانیت و معیار تکلیف و مسئولیت‌پذیری و میزان ارزش و سنجش رفتارهای انسانی به‌حساب می‌آیند. اراده هنگامی شکل می‌گیرد که کشش‌ها و جاذبه‌هایی در نهاد انسان به‌صورت طبیعی برانگیخته شوند و زمینه‌ها و شرایط تحقق آنها فراهم گردد. اراده انسان برای خوردن غذا- برای مثال - هنگامی فعال می‌شود که میل به غذا در انسان فعال شده، شرایط و زمینه لازم برای تحقق این میل فراهم آید.<sup>۳۰</sup> بدیهی است ارضای میل مزبور ممکن است از راه‌های گوناگونی میسر شود که انسان بسته به اراده خویش یکی از این راه‌ها را برمی‌گزیند. بدین صورت، اختیار همراه با اراده و پیرو آن، معنا و حقیقت پیدا می‌کند، به‌گونه‌ای که اختیار بدون اراده، جایگاهی در عرصه اندیشه و رفتار انسانی ندارد. از آن گذشته، اختیار انسان هنگامی به کمال شایسته خود می‌رسد که وی بتواند نه تحت شرایط ناخواسته، بل با آگاهی لازم و بدون الزام یا اکراه و تنها به اراده خویش از میان چندین گزینه پیش رو یکی را برگزیند و به آن متعهد شود. براین اساس هر انسانی، متعهد و مسئول شناخته می‌شود و متناسب با مسئولیت و تعهدی که دارد، بر ادای وظایفی مکلف می‌گردد. در مجموع، اراده و اختیار را باید از جمله شرایط اساسی تکلیف‌پذیری از تربیت دینی برشمرد، به‌گونه‌ای که گفته شده است: «... انسان آنگاه مکلف است به انجام یک وظیفه که اجبار و یا اضطراری در کار نباشد؛ اگر اجبار (اکراه) یا اضطرار در کار باشد، تکلیف ساقط می‌گردد».<sup>۳۱</sup>

اگر همه گرایش‌های تربیتی را مبتنی بر اعمال اراده و اختیار فراگیر بدانیم، این امر در تربیت دینی برجسته‌تر و حیاتی‌تر است؛ به‌گونه‌ای که قوام تربیت

دینی به اراده و اختیار شخص فراگیر بستگی تام دارد. از آن گذشته، چنانچه در پاره‌ای از حوزه‌های تربیتی نظیر تربیت اخلاقی، سیاسی، هنری و بدنی بتوان اراده و اختیار متربی را نادیده گرفت و نوعی تحمیل را پذیرفت و بر آن آثار تربیتی را مترتب ساخت، در قلمرو تربیت دینی تحمیل نه تکویناً شدنی است و نه تشریحاً پذیرفتنی؛ یعنی اینکه قوام تربیت دینی به اراده و اختیار متربی است. انسان پیش از هر چیز در برابر خویشستن و وظیفه‌ای که بر دوش دارد، مسئول و متعهد است.<sup>۳۲</sup> او وظیفه دارد به‌طور ارادی و آگاهانه تربیتی را برگزیند که شایسته مقام انسانی اوست. در این میان، تربیت دینی بسته به قلمرو دین مورد نظر، می‌تواند نسبت به دیگر حوزه‌های تربیتی - از جمله تربیت اخلاقی، اجتماعی، حقوقی و سیاسی - اشراف داشته باشد و ساحت‌های مزبور را نیز تحت تأثیر قرار دهد. تربیت دینی این امکان را به فراگیر می‌دهد که وی با اراده و تدبیر خویش راهی را اختیار کند که هرچه بهتر و کامل‌تر نقش و اثر تربیت دینی را در وجود و رفتار و خلق و خوی خویش ظاهر سازد. اصولاً تربیت دینی با توجه به ویژگی‌های ماهوی و ساختاری و کاربردی خود بدون اعمال اراده و اختیار یا حاصل نمی‌شود و یا رویدادی فراتر از تأثیر و تأثر وضعی و کنش و واکنش طبیعی نخواهد بود. تربیت دینی در وضعیت اخیر، اندیشه و رفتاری انعکاسی خواهد بود که نتیجه شرطی‌سازی و ایجاد عادت‌های رفتاری است. در این صورت مفاد تربیت دینی به‌طور شایسته تحقق نخواهد یافت و اثر مطلوبی بر جای نخواهد گذاشت.

اراده، در واقع بیانگر اشتیاق زائدالوصفی است که انسان نسبت به انجام دادن یک عمل یا نتیجه خوشایند آن ابراز می‌دارد. بدین بیان، ممکن است یک عمل به‌خودی‌خود برای شخص خوشایند و اشتیاق‌آور نباشد؛ اما از آنجاکه نتیجه

رضایت‌بخش و امیدوارکننده‌ای برای وی دربر دارد، سبب جلب توجه و اشتیاق او به انجام دادن آن عمل شده است.

به وصفی که گذشت، تربیت دینی در خاصیت و تأثیرگذاری خود، وام‌دار اشتیاقی است که شخص مربی و متربی هر دو نسبت به فراگیری و به‌کارگیری آموزه‌ها و تربیت‌های دینی ابراز می‌دارند. چنین اشتیاقی چنانچه با ادراک لازم و بصیرت کافی همراه باشد، مربی و متربی را برمی‌انگیزاند تا در مسیر تحقق اهداف آموزشی و تربیتی دین، دین‌باوری و دین‌مداری به‌طور شایسته گام بردارند و تا رسیدن به نتیجه نسبتاً کامل درنگ نوزندند. با این بیان اراده، از عوامل انگیزشی مؤثر در تربیت دینی به‌شمار می‌رود که کاملاً شخصی است و جنبه روان‌شناختی آن قوی، برجسته و پایدار است.

انسان چون در انتخاب دین و شریعت به‌عنوان راه و رسم زندگی مختار آفریده شده است، پس خود اراده می‌کند از میان راه‌های گوناگون کدام را برگزیند. مختار بودن انسان، از جمله موضوعات مهمی است که در مواردی نظیر اصول الفقه، فقه، کلام، روان‌شناسی، انسان‌شناسی، تعلیم و تربیت و معارف قرآن مورد تجزیه و تحلیل و ارزیابی قرار می‌گیرد. از زاویه نگاه معارف قرآنی و پیرو آن در پرتو علومى که به نوعی از این معارف تأثیر می‌پذیرند، انسان مختار آفریده شده است نه اینکه اختیار برای انسان اکتسابی باشد. اختیار همچون اراده وصف فطری فرد فرد انسانی است و بدین ترتیب مختار بودن، لازمه انسانیت انسان و ملاک کرامت تکوینی اوست. انتخاب راه و رسم زندگی به اختیار انسان واگذار شده است تا افراد خود برحسب خواست و انگیزه و نیازشان در هر زمینه یک گزینه از میان چندین گزینه را برگزینند. در واقع «اختیار بدین معناست که فاعل با خواست خود و بدون اجبار و تحمیل نیروی دیگری، کاری را انجام دهد».<sup>۳۳</sup>

هرکس تربیت دینی را پذیرفت، البته به لوازم آن پایبند خواهد ماند و خود را برای انجام دادن رهنمودهای دینی موظف خواهد دانست. عشق به دینداری و آگاهی لازم از آثار سازنده آن، عامل برانگیزاننده‌ای برای اختیار و پذیرش تربیت دینی به‌شمار می‌رود.

#### تربیت دینی: معرفت و دانایی دینی

هر شخص انسانی، استعداد خاصی دارد که آفریدگار انسان به او ارزانی داشته و وجودش را به آن مجهز فرموده است تا به کمک آن به کشف و شناسایی خود و خالق خویش، همچنین به تأمل و تفکر در مورد آفرینش انسان و جهان پردازد. پی بردن به ارزش و اهمیت زایدالوصف این امر زمینه لازم را برای تشخیص مقام آفریننده متعال و برقراری ارتباط ویژه فرد با آن حقیقت هستی‌آفرین و هستی‌دار متعال فراهم می‌سازد. در این حالت، فرد خواسته یا ناخواسته خود را مدیون و ممنون خداوند می‌شناسد و به خضوع و خشوع در برابر او تن می‌دهد، مشروط به اینکه مانعی جدی فکر و ذهن او را از یاد خداوند غافل نکند و او را به خود مشغول ندارد. اساساً هر فعالیت و حرکت رو به کمال و از جمله تربیت دینی برای شروع موفق، ادامه موفقیت‌آمیز و پایان نتیجه‌بخش لازم است از معرفت مدد جوید. کسب معرفت - به مفهوم دقیق کلمه - از این نظر ضروری است که اساس هر حرکت استکمالی قرار می‌گیرد و به آن جهت می‌دهد. حضرت علی علیه السلام خطاب به کمیل بن زیاد می‌فرمایند: **یا کمیلُ ما مِنْ حَرَكَةٍ الاَّ وَ اَنْتَ مُحْتاجٌ فیها اِلی مَعْرِفَةٍ؛**<sup>۳۴</sup> «ای کمیل! هیچ حرکتی نیست مگر اینکه تو در آن به یاری جستن از معرفت نیازمندی». *پژوهش‌های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*

اما معرفت چیست؟ آیا معرفت همان ایمان است؟ در غیر این صورت، تناسب ایمان با معرفت چگونه است؟ ایمان را هرگز نمی‌توان از معرفت جدا انگاشت و بدون معرفت لازم به تربیت دینی پرداخت. این در صورتی است که معرفت در دیگر ساحت‌های تربیتی ضرورت نمی‌یابد؛ اگر هم دخیل باشد، در امر تربیت دینی ضرورت معرفت آشکارتر و حیاتی‌تر است. امام صادق علیه السلام در بیان جالب توجهی معرفت را اساس و ایمان را شاخ و برگ آن می‌دانند.<sup>۳۵</sup> بنابراین همان‌گونه که شاخ و برگ درخت بدون ریشه وجود یا دوام نخواهد یافت، ایمان و تربیت دینی نیز بدون معرفت نه محقق خواهد شد و نه دوام خواهد یافت. مربی دین ابتدا معرفت می‌دهد، سپس به مقدار معرفتی که فراگیر به دست آورده است، او را تربیت می‌کند. اعطای بینش، در واقع تحریک حس آگاهی‌طلبی متربی است که به او فرصت هرگونه اندیشیدن را می‌دهد و وی را برای پذیرش تربیت دینی آماده می‌سازد.

آیا معرفت، همان علم و آگاهی است؟ علم، ادراک و آگاهی از جنس یکدیگر و همه از مقوله روان‌شناسی هستند، هرچند از هویت فلسفی نیز برخوردارند. هویت فلسفی آگاهی، به چیستی و بیان ماهیت آن اشاره دارد؛ در حالی که هویت روان‌شناختی آگاهی به کمیت و کیفیت برخورداری شخص از آگاهی و سازوکار پیدایش آگاهی نزد شخص عالم و چگونگی تحصیل آن نظر می‌افکند. هنوز آگاهی با این همه اوصاف، تنها نوری از پرتو معرفت است؛<sup>۳۶</sup> معرفتی که سبب تربیت فعال و جهت‌دهنده می‌شود. اساساً تربیت باید آگاهانه و فعالانه صورت پذیرد، وگرنه دین‌داری و دین‌باوری رفته‌رفته خاصیت خود را از دست می‌دهد. بر اساس حکمت الهی شعاع آگاهی انسان تا حدی است که با بهره‌برداری لازم و کافی از آن انسان می‌تواند به خداوند و احکام شریعت معرفت پیدا کند و

به مقتضای آن رفتار کند. معرفت انسان به خداوند به شرطی سیر صعودی خواهد یافت که خودشناسی انسان زمینه‌خداشناسی او را فراهم آورد، در غیر این صورت به سیر نزولی و افت اعتبار گرفتار خواهد شد و تربیت، نتیجه عکس خواهد داد. تنظیم و تأمین این امور همه به چگونگی تربیت دینی بستگی دارد. علاوه بر معرفت لازم به خداوند، راه و راهنماشناسی نیز در حوزه معرفت‌شناسی از اهمیت زائدالوصفی برخوردار است، به گونه‌ای که بدون آن حد نصاب خداشناسی هرگز تحقق نمی‌یابد. از همه مهم‌تر، مربی دینی خوب است بداند که خداوند، انبیا و اولیای الهی را قبلاً تربیت کرده است. تا آنان هم خود به تربیت اهل ایمان اقدام فرمایند.<sup>۳۷</sup>

### تربیت دینی: احساس دینی

معرفت دینی، همیشه و در هر شرایطی احساس دینی متناسب با خود را در پی دارد. چنین احساسی به گونه‌ای خاص در وجود شخص تجلی می‌یابد تا خود بتواند گرایش‌ها و رفتار فرد را سامان دهد. احساسی که در اثر معرفت ایمانی به شخص دست می‌دهد، گرایش‌های متعالی او را تقویت می‌کند و به رفتار و اعمال و حرکات او جهت می‌بخشد. احساس مزبور، همچنین گرایش‌های متعالی ناشی از آن، به طور طبیعی و فطری برای شخص حاصل می‌شود، با وجود این انتخاب یک سبک و جهت خاص، به بیش‌ایمانی و معرفت اعتقادی خود شخص بستگی دارد. معرفت دینی به صاحبش کمک می‌کند تا وی این جهت را تحت تأثیر تربیت دینی و متناسب با خاصیت و مفاد آن برگزیند. معرفت، احساس، گرایش و انتخاب، از عناصر روان‌شناختی مهم و اساسی سامان‌دهی تربیت دینی هستند، گرچه خود از تربیت دینی رنگ‌ورو، و نیرو می‌پذیرند. از میان عناصر



مزبور، هر اندازه معرفت ما نافذتر و دقیق‌تر باشد احساس، گرایش و انتخاب ما مطمئن‌تر و جذاب‌تر خواهد بود.

براین اساس، احساس مطمئن‌تر به تحصیل گرایش‌های برتر می‌انجامد و گرایش‌های برتر نیز به شوق مؤکد نسبت به گزینش شایسته‌تر مجموعه‌ای از باورها و ارزش‌ها کمک می‌کند. تربیت دینی نه تنها بر پایه عناصر فوق شکل می‌پذیرد، بلکه به سهم خود مسیر دستیابی به اهداف تربیت دینی را هموار می‌سازد و به شخص و جنبه‌های وجودی و زندگی او جهت می‌دهد. بنابراین لازم است معلمان و مربیان دینی با توجه به ظرفیت‌های معرفتی، احساسی، گرایشی و ارادی فراگیران، در انتخاب و پذیرش باورها و ارزش‌های دینی اهمیت قایل باشند و با توجه به این عوامل از وظیفه هدایتگرانه و روشنگرانه خویش غفلت نورزند، و با راهنمایی‌های ارزشمند، راه را فرا روی فراگیران روشن سازند تا آنان خود از میان گزینه‌های گوناگون جهت انتخاب برتر اقدام کنند. این عوامل چهارگانه که باشند، مربی کوچک‌ترین تحمیل و اجباری را در سبک، فرهنگ و محتوای تربیت دینی احساس نخواهد کرد و در نتیجه تربیت دینی موافق طبع او صورت خواهد پذیرفت. هنگامی که راه درست از نادرست و رشد از گمراهی و حق از باطل به خوبی تشخیص داده شود، دیگر کوچک‌ترین مجالی برای اکراه و الزام در مسیر دین‌گرایی و تربیت دینی فرد باقی نمی‌ماند: «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ». (بقره: ۲۵۶).

#### تربیت دینی: توانایی دینی

توانمندی فراگیر، از دیگر ارکان مهم در تربیت دینی به‌شمار می‌رود. نظر به اینکه تربیت دینی تعهدآور است، این تکلیف و تعهد باید با میزان توانایی فرد از

جهات گوناگون تناسب و توازن داشته باشد. اگر خداوند فرموده است: **لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا** (بقره: ۲۸۶) به این دلیل است که تکالیف دینی برحسب توانایی شخص تعریف و تعیین می‌شود و انسان مکلف، به میزان توانایی خویش نسبت به آن تکالیف و عمل بر اساس آنها ملتزم و متعهد خواهد بود.

توانمندی فراگیر، تنها به قلمرو توانمندی‌های جسمانی و بدنی او محدود نمی‌شود؛ بلکه توانمندی‌های حسی، حرکتی، فیزیولوژیک، روحی، روانی، ذهنی و عقلانی او را نیز در بر می‌گیرد. چیزی که هست، هر نوع توانمندی یا ناتوانمندی اقتضائات مخصوص به خود دارد؛ یعنی در شرایطی اساساً تربیت دینی مهمل و بی‌خاصیت و تکلیف ساقط می‌شود؛ اما در شرایط دیگری تربیت دینی مؤثر، ولی بسته به آن شرایط تکلیف سبک‌تر می‌شود. برای نمونه، اگر شخص دچار معلولیت روانی یا عقلانی باشد، طبعاً تربیت دینی در مورد او بی‌اثر خواهد بود و تکلیف از عهده او برداشته خواهد شد. چه‌بسا شخص از جنبه جسمانی هیچ مشکلی نداشته باشد، اما از جهت روانی یا عقلانی با مشکل روبه‌رو باشد. در این صورت تربیت دینی معیار خود را از دست خواهد داد. بدیهی است بدون عنصر توانایی روانی و عقلانی، دین‌باوری و دین‌داری موضوعیت نمی‌یابد و فرد ناتوان هیچ‌گاه مورد خطاب امر و نهی دینی قرار نمی‌گیرد؛ از این‌رو توانایی عقلانی را باید از ارکان روان‌شناختی تربیت دینی برشمرد که بدون آن تربیت دینی حاصلی ندارد؛ اما به‌عکس، چنانچه فراگیر تنها از مشکل جسمانی رنج می‌برد بدون اینکه با کمترین مشکل عقلانی و روانی روبه‌رو باشد، تربیت دینی به قوت خود باقی است و متناسب با توانایی فراگیر تکلیف‌آور خواهد بود.

### تربیت دینی: گرایش‌های فطری

شاید مهم‌تر از فطرت و عوامل و گرایش‌های فطری نتوان به عناصر و عوامل دیگری اشاره کرد که این همه در تربیت دینی نقش کلیدی ایفا کند. هیچ نظام تربیتی به اندازه نظام تربیتی اسلام بر فطرت و گرایش‌های فطری تأکید نورزیده است. فطرت به تعبیری همان سرشت انسانی است که خداوند انسان را بر اساس آن آفریده است؛ سرشتی که شاکله انسان را دربر می‌گیرد و قابل تغییر هم نیست، هرچند ممکن است گرد و غبار هوا و هوس بر آن بنشیند و روی آن را بپوشاند. آفرینش انسان در بیان قرآنی و زبان روایات اسلامی بر پایه فطرت صورت گرفته است؛ یعنی هر فرد انسانی مجهز به نیرویی است که به کمک و هدایت آن می‌تواند به وجود خداوند پی ببرد، او را بشناسد و وی را پرستش کند.<sup>۳۸</sup> در نظام تربیتی اسلام به خصوص نسبت به عاملیت و نقش کلیدی فطرت در تربیت دینی حساسیت فراوانی ابراز شده است.

با این بیان، فطرت نیز همچون وحی، رسول هدایت و تربیت انسان است که با الهام از آن بسیاری از حقایق عالم را کشف می‌کند، و از جمله این حقایق و در رأس همه آنها می‌توان از خداشناسی و خدایابی فطری یاد کرد. به تعبیر قرآن، به واسطه فطرت پاکی که انسان‌ها بر پایه آن آفریده شده‌اند، از آیین اسلام ناب رونمایی می‌شود: «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَةَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ» (روم: ۳۰) اسلام ناب، همان دین فطرت است و دین فطرت، آیین استوار و پایدار حق است.<sup>۳۹</sup>

فطرت به هرگونه‌ای که تبیین و تفسیر شود، «دست‌مایه و سرمایه تربیت و هدایت انسان در مسیر کمال‌جویی و سعادت‌یابی اوست. به همین دلیل انسان با برخورداری از فطرت ویژه خداجویی، استعداد و قابلیت لازم را برای گام نهادن در مسیر سعادت و نیل به مقصد و منظور آفرینش می‌یابد».<sup>۴۰</sup> با توجه به چنین برداشتی، فطرت به دو عنوان معرفت‌شناختی و انسان‌شناختی قابل تحقیق و بررسی است. توضیح اینکه فطرت از طرفی، یکی از برجسته‌ترین منابع و ابزار معرفت، و از جانب دیگر، از مختصات انسانی و موضوع مهم انسان‌شناسی به‌شمار می‌آید.

فطرت در نگاه نخست، عنصری میان عقل و وحی است: درونی است، اما عقل نیست که نیازمند به‌کارگیری ابزارها و حرفه‌هایی چون استدلال و استخراج و استنباط باشد؛ بلکه فهم برخاسته از آن از درون می‌جوشد؛ ملهمانه است، اما وحی نیست که از ماورا فرو فرستاده شود؛ بلکه الهامی درونی است که خداوند به قدرت و عنایت خویش در نهاد بشر به ودیعت نهاده است. براین‌اساس فطرت در میان مباحث ناظر به مبانی معرفت‌شناختی تعلیم و تربیت جایگاهی بس کلیدی دارد.<sup>۴۱</sup>

امیالی چون میل به کمال و کمال‌جویی - اعم از کمالات علمی، معنوی، مادی، میل به زیبایی، میل به جاودانگی، میل به پرستش، میل به استقلال و درعین‌حال میل به اتکای به نقطه امن، میل به التذاذ، میل به رفاه و آسایش، میل به امنیت و آرامش و... - همه از جمله امیال و گرایش‌های فطری‌اند. این میل‌ها نه تنها نقش مؤثری در تربیت دینی و زمینه‌سازی برای تحقق ویژگی‌ها و لوازم آن ایفا می‌کنند، بلکه از طریق تربیت دینی نیز تقویت و جهت می‌یابند. از آن‌میان، میل به

پرستش، همچنین گرایش روحی و روانی و عاطفی به معبودی بسیار فراتر از انسان و جهان و خلق جهان، نقش زایدالوصفی در تربیت دینی و تأمین اهداف و مقاصد آن بر عهده دارد. به ملاک این میل و با پشتیبانی دیگر امیال فطری تربیت دینی شکل و قوام می‌پذیرد و محصول خود را در جهت دادن به این امیال و تعیین معبود و موضوع پرستش ظاهر می‌سازد. به‌طورکلی، امیال فطری همسو و هم‌گرا با یکدیگر بار سنگین تربیت دینی را در وجود متربی سامان می‌دهند.

مهم اینکه گرایش‌های فطری با توجه به ویژگی‌های ذاتی که دارند، از گرایش‌های طبیعی و غریزی متمایز می‌شوند و با توجه به این تمایز نقش بی‌بدیل خود را در تربیت دینی شخص ایفا می‌کنند.

«پاکی، آراستگی، پیراستگی از هر آلودگی، تغییرناپذیری، تبدلناپذیری، فسادناپذیری و فناپذیری، همچنین انسان‌شمولی، سازگاری با وحی و عقل و خرد ناب و سرانجام الهی و ربانی بودن، از جمله ویژگی‌های برجسته‌ای است که برای فطرت و امیال فطری در نظر گرفته شده است. تربیت‌پذیری انسان و قابلیت او برای رسیدن به کمالات انسانی - الهی، همه به برکت نیروی قدرتمند و پالایش‌یافته فطری است که با ویژگی‌های یادشده از جانب خداوند در نهاد انسان‌ها به ودیعت گذاشته شده است».<sup>۴۲</sup>

بدین ترتیب، تربیت دینی باعث می‌شود انسان دین‌باور دین‌مدار کمالات خویش را در گرایش به معبود حقیقی ببیند و لذت جاویدان و آرامش بی‌پایان را در ارتباط با او جست‌وجو کند؛ لذت و آرامشی که هرگز با هیچ رنج و بی‌قراری آمیخته نیست، به‌علاوه که پایدار و برقرار است. تربیت دینی بر این اساس با تربیت فطری همخوانی دارد؛ چراکه وجود انسان بر خدامحوری و دین‌مداری و دین‌گرایی سرشته شده است. مرییان دینی همواره باید فطرت و مقتضیات فطری

را دست‌مایه‌ی تعالیم دینی قرار دهند و از این امکان عظیم فطری در جهت پیشبرد اهداف تربیت دینی بهره‌برداری کنند.

### غرایز و تربیت دینی

انسان همچنان‌که محل هیبوط و حضور فطرت است، کانون غرایز نیز هست. غرایزی چون عشق، نفرت، ترس، محبت، حیا، شرافت، کنجکاوی و تیزهوشی، همه از عاملیت ویژه‌ای در تأمین سازوکار تربیت دینی و اهداف مورد نظر آن برخوردارند. غرایز، آن دسته از کشش‌های درونی و ذاتی‌اند که در وجود انسان اسباب برانگیختگی او را برای انجام دادن رفتاری یا پرهیز از کاری فراهم می‌سازند. غرایز برای انسان ارزش و جنبه‌ی کاملاً حیاتی دارند که بدون آنها انسان از ادامه‌ی حیات انسانی خویش باز می‌ماند و دچار رکود می‌شود. دین به همه‌ی این غرایز جهت‌کمالی می‌دهد و بدون اینکه آنها را سرکوب کند یا نادیده انگارد به انسان اجازه می‌دهد از وجودشان برای کمالات انسانی بهره‌برداری کند. از آن گذشته، انسان‌ها به‌طور غریزی دوست دارند امیال غریزی‌شان هرچه شایسته‌تر و پیراسته‌تر ارضا شود؛ از این‌رو تدین انسان به‌واقع پاسخ روشن و گویایی به حس و نیاز غریزی او به پالایش و پیرایش غرایز به‌شمار می‌رود. مراتب زیر پیوند دینداری را با برخی از غرایز سرآمد نشان می‌دهد.

### نقش تربیتی غرایز

رابطه‌ی عشق و ایمان بر احدی پوشیده نیست. هرکس به آسانی با تأملی ساده در درون خویش درمی‌یابد چگونه به حقیقت ایمان و دیانت خویش عشق می‌ورزد، همچنان‌که درمی‌یابد تا عشق به مفاد ایمان در میان نباشد، ایمانی حاصل نمی‌شود. انسان شیدای معبودی است که می‌پرستد. اصولاً، «اله» را از این‌رو «اله»

نامیده‌اند که دلربایی می‌کند. «اله» یعنی، آنچه یا آن که دلرباست به‌گونه‌ای که دل واله را به‌جانب خود جذب کرده، او را از خویش غافل و به اله مشغول می‌دارد. بدین ترتیب، دین‌باوری و خداپرستی بر اساس کشش درونی است که شخص آگاهانه نسبت به معبود خود ابراز می‌دارد؛ خواه این معبود، حقیقی باشد یا دروغین. خاصیت این کشش التزام و تعهد و ارادت قلبی و رفتاری به خواسته‌های معبود است.

همچنان‌که گذشت، ایمان چیزی جز حب و بغض نیست.<sup>۴۳</sup> مؤمن از طرفی برخوردار از محبتی است که به ایمان و مفاد آن ابراز می‌دارد و از سوی دیگر کانون نفرتی است که نسبت به دین‌ستیزان و ایمان‌براندازان آشکار می‌سازد. حب و بغض، در واقع برانگیزاننده انسان به سوی انجام یا ترک کاری است. تربیت دینی به پشتوانه چنین انگیزه‌های غریزی به ثمر رسیده، آثار خود را در زندگی و رفتار شخص بر جای می‌گذارد.

از سوی دیگر، ترس از آینده ناگوار، ترس از درگیر شدن در چنگ شیطان و هوا و هوس، ترس از زیان و خسران، نگرانی از پایان ناخوشایند و نظایر آن می‌توانند برانگیزاننده انسان برای پناه‌جویی به دژ مستحکم ایمان و عمل صالح باشند و زمینه را برای بهره‌برداری مناسب از تربیت دینی فراهم آورند. این سخن با اظهارات ماتریالیست‌ها که ایمان را محصول ترس بشر اولیه از عوامل مرموز می‌دانند، بسیار متفاوت است. ایمان برآمده از تربیت دینی، درحقیقت برآیند معرفت و فطرت حقیقت‌جویی انسان است که به برکت آن انواع ترس‌ها و نگرانی‌ها رنگ می‌بازد و در عوض عشق و تحرک و شجاعت و پویایی توان می‌یابد. به عبارتی، ایمان هرکجا که باشد، ترس و واهمه معنا ندارد.

قرآن، با تأکید بر این حقیقت که هرکجا ایمان و عمل شایسته حاکم باشد، خوف و اندوه رخت خواهد بست، تناسب ایمان و عمل صالح و خوف را به روشنی بیان فرموده است.<sup>۴۴</sup> علاوه بر این، قرآن ضمن هشدار جدی به انسان، به سوءاستفاده شیطان از غریزه ترس انسان اشاره کرده و انسان را از پیروی شیطان زینهار داشته است. (آل عمران: ۱۷۵) ایمان در هر صورت ایمنی بخش و آرامش آور است؛ چراکه در حقیقت ایمان به خداوند، طمأنینه و آرامش خاطر نهفته است. در هر صورت، وجود غرایز فوق باعث نوعی برانگیختگی در انسان می شود که در اثر آن انسان به خود می آید و برای جلب آرامش و تأمین مصالح یا رفع نگرانی‌ها و دفع زیان‌ها چاره‌اندیشی کرده، اقدام مقتضی را به عمل می آورد. بدیهی است چنانچه انسان به خواسته‌های غریزی از جنس بالا توجه لازم را معطوف نکند، دچار نوعی سردرگمی و ندانم‌کاری خواهد شد که به این سادگی جبران آن میسر نمی شود. در سایه تربیت دینی شایسته، انسان به امیال غریزی جهت می بخشد و از وجود آنها و برداشت صحیح و مشروع از آنها راه کمال را پیش روی خود هموار می سازد.

#### تربیت دینی و روان‌شناسی ارزش‌ها

ارزش از آن جنبه برای اشخاص ارزش تلقی می شود که ساختار وجودی آن از سازوکارهای لازم بینشی، انگیزشی، عاطفی، احساسی، حسی و حرکتی برخوردار باشد. در روان‌شناسی ارزش‌ها بیشتر از چیستی پایه‌ها، ساختارها، ویژگی‌ها و عرصه‌های روان‌شناختی ارزش‌ها سخن به میان می آید. دین و گرایش‌های دینی به عنوان سرآمد ارزش‌ها از روان‌شناسی دین و ارزش‌ها وام می گیرد و بر اساس پیروی از قواعد و ضوابط آنها شکل می پذیرد. همان‌گونه که چگونگی



شکل‌پذیری خلق و خو، روح و روان، احوال، عادت‌ها و رفتار دینی انسان را باید در تربیت دینی جست‌وجو کرد، چپستی این امور را باید در روان‌شناسی دین و ارزش‌ها مورد مطالعه و بررسی قرار داد. روان‌شناسی ارزش‌ها از آن جهت اهمیت دارد که در تفسیر ارزش‌ها، به جای توجه محض به عوامل فرهنگی و بیرونی، به واقعیت اشخاص می‌نگرد و از درون انسان به تبیین روان‌شناختی ارزش‌ها می‌پردازد. چنین رویکردی در تفسیر ارزش‌ها به روشنی اهمیت ارزش‌های درونی شده و انعکاس آنها در منش و رفتار و گفتار شخص را بیان می‌کند.

تفسیر روان‌شناختی ارزش‌ها به‌آسانی نشان می‌دهد که چگونه تصمیم‌سازی شخص در همه امور جاری زندگی ارزش پایه بوده، از کانون ارزش‌ها سرچشمه می‌گیرد. بدین ترتیب، در روان‌شناسی ارزش‌ها بر این نکته تأکید می‌شود که ما انسان‌ها ماشین نیستیم و زندگی ما ماشینی نیست که هرچه هست از بیرون بر ما دیکته شود و هیچ از درون تراوش نکند. هر انگیزه‌ای که در سر می‌پرورانم، هر سخنی که می‌گویم، هر عملی که انجام می‌دهم و هر حرکتی که از من سر می‌زند، همه از حضور و سلطه ارزش‌ها در درون من حکایت دارند. از آن گذشته، ارزش‌ها - به‌ویژه ارزش‌های دینی - با تار و پود وجود انسان آن می‌کنند که غذا با ساختار و فیزیولوژی بدن. به عبارتی، ارزش‌ها از هر قسم که باشند، غذای روح و روان انسان را تأمین می‌کنند. بنابراین اهمیت ارزش‌ها برای روح و روان انسان و شکل‌پذیری و تثبیت رفتار او از اهمیت غذا برای جسم انسان، اگر نگوییم بیشتر است، هیچ کمتر نیست. درحقیقت، «ارزش‌ها در زندگی انسان جنبه حیاتی می‌یابند و دوام و بقای زندگی انسانی را تضمین می‌کنند».<sup>۴۵</sup>

از طرفی، روان‌شناسی ارزش‌ها روند درونی شدن ارزش‌ها، پدید آمدن عادت‌های ارزشی و شکل‌پذیری رفتار و پیگیری آثار و بازدهی‌های این ارزش‌ها

را در زندگی شخصی و اجتماعی دربر می‌گیرد. با این بیان، بخشی از اصول و ضوابط حاکم بر تربیت دینی، در روند درونی‌سازی ارزش‌ها - به‌ویژه ارزش‌های دینی - از مبحث روان‌شناسی ارزش‌ها اقتباس می‌شود.

از جنبه هستی‌شناختی، هر چیز و هر امری ارزش وجودی دارد. در این صورت چه‌بسا چیزی را نتوان بی‌ارزش دانست؛ اما از جنبه انسان‌شناختی برای تبیین چیستی ارزش در جست‌وجوی «عنصری هستیم که به‌گونه‌ای برای انسان از جنبه مادی و معنوی منفعتی به دنبال داشته باشد». با این بیان مطلوبیت و منفعت یک امر یا یک چیز برای انسان معیار ارزیابی و ارزش‌گذاری خواهد بود. هنگامی که گفته می‌شود یک امر یا یک چیز برای انسان مطلوبیت دارد، «یعنی انسان واقعاً با قصد و اراده و عزم به فکر دریافت آن است و سعی در اکتساب آن دارد».<sup>۴۶</sup> بنابراین آن‌چنان که شهید مطهری اظهار داشته است، «ارزش و منفعت، هر دو از یک مقوله‌اند؛ یعنی از یک جهت یک‌جور هستند، هر دو با واقعیت انسان ارتباط دارند؛ منتها انسان تنها این بنیه مادی نیست، خیر مادی برای او نوعی ارزش دارد، خیر معنوی نوعی دیگر».<sup>۴۷</sup>

ارزش و ارزش‌گذاری در ساحت تعلیم و تربیت نیز «حامل بار مفهومی خاصی از خواست و مطلوبیت است. در هر صورت، مطلوبیت هر چیز، هر دستور و یا هر گزاره‌ای ارزش آن چیز، دستور و یا گزاره را نشان می‌دهد... بدین ترتیب عنصر مطلوبیت، از مهم‌ترین عناصری است که می‌تواند معیار بازشناسی ارزش‌ها از ضدارزش‌ها در هر قلمرو و زمینه‌ای به حساب آید».<sup>۴۸</sup> چیزی که هست، ارزش‌ها بر دو دسته‌اند: شخصی و عینی؛ یعنی مطلوبیت در ارزش‌ها از دو نگاه شخصی و عینی قابل پیگیری و بررسی است. ارزش‌ها هنگامی عینی به شمار می‌روند «که در واقع و صرف‌نظر از اندیشه شخص یا اشخاص، بقای زندگی انسانی

را تضمین می‌کنند. ارزش‌های شخصی، از جانب دیگر، اموری هستند که به اعتقاد شخص و یا اشخاص می‌توانند تداوم‌بخش زندگی انسانی باشند.<sup>۴۹</sup> در فرایند تربیت دینی بیشتر بر ارزش‌های عینی و حقیقی تکیه و تأکید می‌شود تا ارزش‌های شخصی؛ هرچند ارزش‌های شخصی نیز در صورتی که با ارزش‌های عینی و باورهای حقیقی معارضه‌ای نداشته باشند، ارزشمند هستند.

### سخن پایانی

به‌بیانی که گذشت، انسان سرشار از دارایی‌ها و استعداد‌های روان‌شناختی است که تمام ساحت‌های وجودی او را - از ساحت بینش و انگیزش و اندیشه، احساسات، عواطف، امیال، گرایش‌ها، غرایز و امور فطری تا ساحت رفتار و کردار انسانی - دربر گرفته است. این امکانات و تجهیزات درونی و روان‌شناختی به کمک اعضای بدن انسان، از او موجودی مبتکر ساخته و وی را سرآمد همه آفریده‌ها معرفی کرده است. انسان با برخورداری از این امور قابلیت لازم را برای تربیت‌پذیری دارا شده و شرایط ویژه را برای دریافت نشان تربیت و لیاقت احراز کرده است. در تربیت دینی که به‌واقع نوعی پرورش ارزش‌ها به‌شمار می‌آید، ضرورت بهره‌مندی و برداشت از این امور نمایان‌تر خواهد بود. به پستوانه امور مزبور، روان‌شناسی ارزش‌ها مهم‌ترین عناصر روان‌شناختی تربیت دینی را تفسیر می‌کند و اهمیت نقش کارکردهای روان‌شناسی را در زمینه‌سازی و انگیزه‌سازی برای تربیت دینی و جهت بخشیدن به بینش‌ها، اندیشه‌ها، گرایش‌ها، احساسات، عواطف، هیجانات و انگیزه‌ها آشکارتر می‌سازد. روان‌شناسی ارزش‌ها در یکی از مباحث مطرح به این مهم می‌پردازد که ارزش‌ها - و از جمله ارزش‌های دینی - چرا و چگونه در وجود یک شخص نهادینه می‌شوند و شاکله او را دربر گرفته، به وجود او هویت می‌بخشند؟ شاخص این قبیل کارکردها در یک نگاه، تغییر و

تحولات درونی و روانی است که انسان در اثر پایداری به ارزش‌ها و مفاد تربیت دینی در خود احساس می‌کند و آثار مترتب بر این احساس لطیف و ظریف را در گفتار و رفتار و منش و خلق و خوی خود ظاهر می‌سازد.

معلمان و مربیان دینی با وجود این، نقش بسیار حیاتی و حساسی دارند که با ایفای آن، فراگیران از هر جهت برانگیخته می‌شوند تا خود با اختیار و اراده و تصمیم و همت خویش مسیر تعالی و کمال را هرچه شایسته‌تر در پرتو آموزه‌های دینی و پایداری به آثار و لوازم آنها طی کنند. بدین ترتیب، وظیفه اصلی مربی در این خصوص وظیفه ارشادی، تنبیهی و برانگیزانندگی است و نقش او به‌عنوان یک مربی دینی به‌حسب مورد نقش هدایتی به هر دو صورت راهنمایی (ارائه طریق) و یا مشاوره و به مقصد رسانی (ایصال الی المطلوب) خواهد بود؛ در نتیجه فراگیر در فراگیری آموزه‌های دینی و التزام به مفاد آنها کوچک‌ترین تحمیلی احساس نخواهد کرد. این در صورتی است که فراگیر به دین فطرت گرویده باشد و پیرو آن در مسیر رسیدن به حقیقت ناب گام بردارد.

#### پی‌نوشت‌ها

۱. محمدبن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۱۲۵.
۲. نهج البلاغه، حکمت ۸
۳. الهی قُوَّ عَلٰی خِدْمَتِکَ جَوَارِحِی، وَ اَشَدُّ عَلٰی الْعَزِیْمَةِ جَوَانِحِی؛ «بارالها! اندام ظاهری مرا بر خدمتگزاری به درگاہت نیرومند فرما و اعضای حسی، ذهنی و درونی مرا بر عزم در راهت مستحکم نما». (شیخ عباس قمی، مفاتیح الجنان، دعای کمیل).
4. Cf. Lee A. Kirkpatrick, *Attachment, Evolution and the Psychology of Religion*, p. 341-342.
5. Everett Dean Martine.
6. Cf. J. Cyril Flower, *An Approach to the Psychology of Religion*, p. 195.
7. Cf. Bernard Spika et al., *The Psychology of Religion: An Empirical Approach*, P.1.
8. F. Galton (1822-1921)
9. G. S. Hall (1844-1924)
10. Jesus, the Christ in the Light of Psychology.
11. William James.

12. *The Varieties of Religious Experience.*

13. W. Wundt (1832-1920).

14. R. Otto.

15. *The Idea of the Holy.*

رودولف اوتو در این کتاب از امر قدسی به‌عنوان هسته اصلی دین و معنویت یاد کرده است و دین‌باوری و دین‌داری را به‌مثابه یک تجربه عاطفی بسیار فراتر از تجربه عقلانی برشمرده است. (برداشت کلی و اجمالی نگارنده از کتاب رودولف اوتو می‌باشد، نه اینکه به آن استناد جسته باشد)

16. J. M. Charcot (1825-1893).

17. J. Piaject (1896-1980).

۱۸. ر.ک: دیوید ام. وولف، *روان‌شناسی دین*، ترجمه محمد دهقانی، ص ۶۲-۹۲ / ر.ک: مسعود آذربایجانی و سیدمهدی موسوی اصل، *درآمدی بر روان‌شناسی دین*، ص ۱۰-۲۴ / مسعود آذربایجانی، *روان‌شناسی دین از دیدگاه ویلیام جیمز*، ص ۹-۵.

19. introspection.

۲۰. برای تحقیق بیشتر ر.ک: دیوید فونتانو، *روان‌شناسی دین و معنویت*، ترجمه الف. ساوار، ص ۵۵-۶۰.

21. *International Journal for the Psychology of Religion.*

۲۲. ر.ک: دیوید ام وولف، *روان‌شناسی دین*، ص ۹۳.

۲۳. اشاره به کلام مولی امیرالمؤمنین علیه السلام خطاب به کمیل که فرمود: *یا کمیل ما من حركة الا وانت محتاج فيها الى معرفة (ابن‌شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۱۷۱).*

۲۴. محمدتقی مصباح یزدی، *اخلاق در قرآن* ۱، ص ۱۰۶-۱۰۷.

۲۵. محمدباقر مجلسی، *بحارالانوار*، ج ۷۰، ص ۲۱۲ / حسین بن محمدتقی نوری، *مستدرک الوسائل*، ج ۱، ص ۹۰.

۲۶. *عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله: تَبَتُّهُ الْمُؤْمِنُ خَيْرٌ مِنْ عَمَلِهِ وَتَبَتُّهُ الْكَافِرُ شَرٌّ مِنْ عَمَلِهِ وَكُلُّ عَامِلٍ يَعْمَلُ عَلَيَّ نَيْتِهِ. محمدبن‌يعقوب الكليني، الكافي، ج ۲، ص ۸۴.*

۲۷. محمدتقی مصباح یزدی، *اخلاق در قرآن* ۱، ج ۱، ص ۱۱۲-۱۱۳.

۲۸. همان، ص ۱۱۶.

۲۹. ر.ک: همان، ص ۱۰۵-۱۱۹.

۳۰. محمدتقی مصباح یزدی، *به سوی خود سازی*، ص ۳۹۹.

۳۱. مرتضی مطهری، *مجموعه آثار (انسان در قرآن)*، ج ۲، ص ۲۹۶-۲۹۷.

۳۲. *روى عن النبي صلى الله عليه وآله كَلِمَةٌ رَاعٍ وَ كَلِمَةٌ مَسْئُولٍ عَنْ رَعِيَّتِهِ. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار*، ج ۷۲، ص ۳۸.

۳۳. محمدتقی مصباح، *فلسفه اخلاق*، ص ۱۳۶.

۳۴. ابن‌شعبه حرانی، *تحف العقول*، ص ۱۷۱.

۳۵. *قال الصادق عليه السلام: ... الْمَعْرِفَةُ أَصْلُ فِرْعَهَا الْإِيمَانُ. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار*، ج ۳، ص ۱۴.

۳۶. قال الصادق علیه السلام: أَلْحَشِيَّةُ مِيرَاثُ الْعِلْمِ وَالْعِلْمُ شِعَاعُ الْمَعْرِفَةِ وَقَلْبُ الْإِيمَانِ... همان، ج ۲، ص ۵۲.
۳۷. اشاره به فرمایش مولی امیرالمؤمنین علی علیه السلام خطاب به کمیل: یا کمیل! إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ أَذْبَهُ اللَّهُ وَهُوَ علیه السلام أَذْبَنِي وَأَنَا أُوذِبُ الْمُؤْمِنِينَ وَأُوذِرَتْ آدَابُ الْمُكْرَمِينَ. ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۱۷۱.
۳۸. محمدبن یعقوب الكلینی، الكافی، ج ۲، ص ۱۲.
۳۹. سیداحمد رهنمایی، درآمدی بر فلسفه تعلیم و تربیت، ص ۲۴۲-۲۴۳.
۴۰. همان، ص ۲۵۱ / ر.ک: سیدمحمدحسین طباطبایی، المیزان، ج ۱۶، ص ۱۸۶-۱۸۷.
۴۱. سیداحمد رهنمایی، درآمدی بر فلسفه تعلیم و تربیت، ص ۲۴۳.
۴۲. همان، ص ۲۵۳.
۴۳. هل الايمان الا الحب والبغض؟ محمد بن يعقوب كليني، كافي، ج ۲، ص ۱۲۵.
۴۴. برای نمونه به این آیات توجه شود: بقره: ۳۸ / بقره: ۶۲ / بقره: ۱۱۲ / آل عمران: ۱۷۰ / مائده: ۶۹.
۴۵. رهنمایی، درآمدی بر مبانی ارزش ها، ص ۲۵.
۴۶. همان، ص ۲۴.
۴۷. مرتضی مطهری، تعلیم و تربیت در اسلام، ص ۲۳۶.
۴۸. رهنمایی، درآمدی بر مبانی ارزش ها، ص ۲۶-۲۷.
۴۹. همان، ص ۲۵.



## منابع

- آذربایجانی، مسعود و موسوی اصل، سیدمهدی، *درآمدی بر روان‌شناسی دین*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و سمت، ۱۳۸۵.
- آذربایجانی، مسعود، *روان‌شناسی دین از دیدگاه ویلیام جیمز*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۷.
- حرانی، ابن شعبه، *تحف العقول عن آل الرسول*، قم، مؤسسه النشر الإسلامی، ۱۴۲۱ ق.
- رهنمایی، سیداحمد، *درآمدی بر فلسفه تعلیم و تربیت*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۷.
- رهنمایی، سیداحمد، *درآمدی بر مبانی ارزش‌ها*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۷.
- الکلینی، محمدبن یعقوب، *الکافی*، تهران، دار الکتب الإسلامیه، ۱۳۶۵.
- طباطبائی، سیدمحمدحسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، تهران، دار الکتب الإسلامیه، ۱۳۹۶ ق.
- فونتانا، دیوید (۱۳۸۵)، *روان‌شناسی دین و معنویت*، ترجمه الف. ساوار، ادیان، قم.
- مجلسی، محمدباقر، *بحار الأنوار*، بیروت، الوفاء، ۱۴۰۴ ق.
- مصباح یزدی، محمدتقی، *اخلاق در قرآن (۱)*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۴.
- مصباح یزدی، محمدتقی، *به سوی خودسازی*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۷.
- مصباح، مجتبی، *فلسفه اخلاق*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۱.
- مطهری، مرتضی، *تعلیم و تربیت در اسلام*، تهران، صدرا، ۱۳۷۴.
- مطهری، مرتضی، *مجموعه آثار (انسان در قرآن)*، تهران، صدرا، ۱۳۷۹.
- نوری، حسین بن محمدتقی، *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*، قم، مؤسسه آل‌البتی، لإحیاء التراث، ۱۴۰۸ ق.
- وولف، دیوید ام، *روان‌شناسی دین*، ترجمه محمد دهقانی، تهران، رشد، ۱۳۸۶.
- Flower, J. Cyril, *An Approach to the Psychology of Religion*, Routledge, London, 2001.
- Kirkpatrick, Lee A, *Attachment, Evolution and the Psychology of Religion*, The Guilford Press, New York & London, 2005.
- Spika, Bernard, et al, *The Psychology of Religion: An Empirical Approach*, The Guilford Press New York London, 2003.